



شهادت پایان نیست... آغاز است...



• بعضی از بچه‌ها گوشه خلوتی یافته‌اند و گذشته خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سرایای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند و وصیت‌نامه می‌نویسند: «حق‌الله را خدا می‌بخشد، اما وای از حق‌الناس!» و تو به ناگاه دلت پایین می‌ریزد: آیا وصیت‌نامه‌ها را تنظیم کرده‌ای؟



• طلبه جوانی با یک بلندگوی دستی، هم‌چون وجدان جمع، فضای نفوس را با یاد خدا مطهر می‌کند. او مأموری است که از جانب خدا در جان جنود او روح می‌دمد و اجازه نمی‌دهد که نقل غفلت، آنان را از آن اوج عرفانی که در آن هستند، پایین بیاورد.



• ساعتی بیش به شروع حمله نمانده است و اینجا آیین تجلی همه تاریخ است. چه می‌جویی؟ عشق؟ همین جاست. چه می‌جویی؟ انسان؟ اینجا جاست. همه تاریخ اینجا حاضر است. «بدر» و «حنین» و «عاشورا» اینجا جاست و شاید آن یار، او هم اینجا باشد. این شاید، که گفتم از دل شکاک من است که برآمد؛ اهل یقین پیامی دیگر دارند، بشنو.



• حب حسین (ع) سزاوار سرشهادت.



• گمنامی برای شهرت پرست‌ها دردآور است، اگر نه، همه اجرها در گمنامی است، تا آنجا که فرموده‌اند: «آن‌گونه در راه خدا اتفاق کن که آن دست دیگر هم خبردار نشود».



• کودکان می‌پندارند که فرصتی پایان ناپذیر برای زیستن دارند، اما فرصت زیستن، چه در صلح و چه در جنگ، کوتاه است؛ به کوتاهی آنچه اکنون از گذشته‌های خویش به یاد می‌آوریم.

• جهان معرکه امتحان است و بهترین ما، کسی است که از بهترین آنچه دارد در راه خدا بگذرد.





• رنج در دنیا مفتاح گنج است. دست‌های دنیایی جعفرین ابیطالب و ابوالفضل عباس(ع) را ستاندند تا ایشان را بال‌هایی بهشتی بخشند. اگر کسی بینگارد که بی‌درد و رنج و بلا، پای در جنت رضوان حق خواهد نهاد، سخت در اشتباه است.



• شهدا، واسطه پیوند آسمان و زمین هستند و جز از طریق آنان، راهی برای جلب عنايات خاصه حضرت حق وجود ندارد.



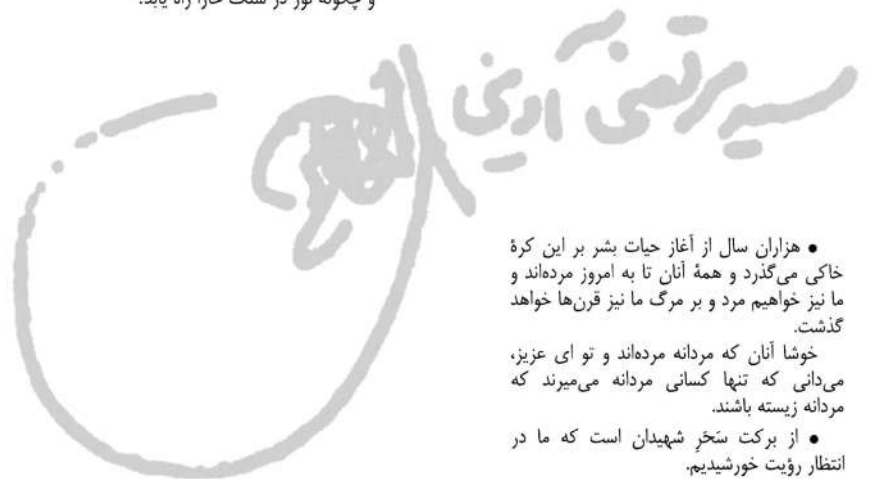
• پرستویی که مقصد را در کوچ می‌بیند، از ویرانی لانه‌اش نمی‌هراسد.



• مه‌رس که چرا می‌گیرند، در سفر زمین، پاها مجروح می‌شود و در سفر آسمان، دل‌ها. دلی که از یاد حسین نگرید که دل نیست، سنگ خارااست و چگونه نور در سنگ خارا راه یابد؟



• ما بی‌وفایی کوفیان را جبران کردیم.



• هزاران سال از آغاز حیات بشر بر این کره خاکی می‌گذرد و همه آنان تا به امروز مرده‌اند و ما نیز خواهیم مرد و بر مرگ ما نیز قرن‌ها خواهد گذشت.

خوشا آنان که مردانه مرده‌اند و تو ای عزیز، می‌دانی که تنها کسانی مردانه می‌میرند که مردانه زیسته باشند.

• از برکت سخر شهیدان است که ما در انتظار رویت خورشیدیم.

• هیچ راهی برای آنکه از آینده با خبر شویم و بدانیم که چه در انتظار ماست، وجود ندارد. پس ای نفس، بر خدا توکل کن و صبر داشته باش! همه چیز از جانب اوست که می‌رسد و این چنین، هر چه باشد، نعمت است.

• شقایق وحشی نیز داغدار واقعه‌ای است که در کربلا رخ داده است.

• آن آستین خالی که با باد، این سوی و آن سوی می‌شود، نشانه مردانگی است و اینکه تو به عهده‌ی که با ابوالفضل(ع) بسته‌ای، وفاداری. چیست آن عهد؟ مبدا امام را تنها بگذاری.

• جراحت ترکش درد دارد، اما لیخند است که جاودانه می‌شود.

• او آسایش تن را قربانی کمال روح می‌کند و خود را نه در روز و ماه و سال و شهر و کوچه و خیابان، که در فاصله میان مبدأ و موعود تاریخ، باز می‌شناسد و برای مبارزات فردا آماده می‌شود.

• آیا سیزده سالگان امروز خرمشهر، می‌دانند که در زیر سقف مدرسه‌هایشان چه گذشته است؟



• بگذار آمریکا با مانورهای ستاره دریایی و جنگ ستارگان خوش باشد.

دربا، دل مطمئن این بچه‌هاست و ستاره‌ها، نور از ایمان این بچه‌مسجدی‌ها می‌گیرند؛ همان‌ها که در جواب تو می‌گویند: «ما خط را نشکستیم؛ خدا شکست» و همه اسرار در همین کلام نهفته است.